

جایگاه اجتماعی زن در «گفتمان

عدالت خواهانه» شهید مزاری^(ه)

عمران حلیمی*

چکیده

در جامعه‌ای مبتنی بر بیدارگری ما، زن در طول تاریخ به‌عنوان موجودی پست شناخته شده و از تمام حقوق و امتیازات اجتماعی و انسانی خود محروم بوده است. تا قبل از شکست دولت کمونیستی نجیب و روی کار آمدن مجاهدین، کم‌تر کسی از حقوق انسانی و اجتماعی زن دفاع کرده بود. شهید مزاری، یکی از رهبران جهادی است که بر اساس منطق عدالت خواهانه خویش، همان‌گونه که از حقوق همه اقوام و اقلیت‌ها دفاع کرد، به دفاع از حقوق سیاسی و اجتماعی زنان نیز همت گماشت. در این مقاله، سعی کرده‌ایم تا مجموعه بیانات ایشان را در زمینه کلی «گفتمان عدالت خواهانه» وی قرار داده، مورد تحلیل قرار دهیم. لب برداشت‌های ما از بیانات شهید مزاری در زمینه حقوق سیاسی و اجتماعی زن، به این نتیجه منتهی می‌شود که آنچه که «برابری زن و مرد در بهره‌مندی از حقوق و مزایای اجتماعی» را ایجاد می‌کند، همان اندیشه عدالت خواهانه ایشان است که بر پایه نفی تبعیض، انحصار و بیدادگری استوار شده است.

واژگان کلیدی: جایگاه زن، شهید مزاری، گفت‌مان عدالت‌خواهی، نفی تبعیض،

نفی انحصار و نفی بیدادگری.

۱. طرح مسأله

زنان بیش از نصف جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند؛ با این وجود در طول تاریخ، موجودیت این مجموعه بزرگ، در حیات اجتماعی و سیاسی جوامع نادیده گرفته شده است. با قطع نظر از این‌که حذف زنان از عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تا چه حد با اصول اخلاق انسانی هم‌خوانی پیدا می‌کند، به لحاظ عقلانی نیز، نادیده‌انگاشتن آنان زیان‌های جبران‌ناپذیری بر فرایند پیشرفت و توسعه اجتماعی بر جای نهاده و به هیچ‌وجه به صلاح تشخیص داده نمی‌شود؛ زیرا با حذف این مجموعه بزرگ، بخش عظیمی از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های انسانی جامعه، بلااستفاده باقی خواهد ماند. امروزه علی‌رغم نگاه‌های متفاوت به زنان، نقش آنان در توسعه و پیشرفت کشورها، به‌خوبی نمایان است. یکی از مهم‌ترین معیارها جهت ارزیابی درجه توسعه‌یافتگی هر کشوری، میزان اعتبار و اهمیتی است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند؛ ازاین‌رو، یکی از مسائل مهم در بین اندیشمندان و فعالان اجتماعی، سیاسی حضور گسترده و روزافزون زنان در جوامع و ایفای نقش آنان در عرصه‌های گوناگون است؛ زیرا زنان نه تنها سازنده جامعه کوچک (خانواده) اند؛ بلکه آنان سازنده پایه‌های اصلی جامعه بزرگ (اجتماع) هستند.

افغانستان اما از همه جهات با دیگر جوامع فرق می‌کند. این جامعه در میان تمام جوامع بشری یک استثنا است؛ استثنایی که هیچ قاعده و منطقی را برنمی‌تابد و قاعده و منطبق خاص خودش را دارد. قاعده در افغانستان، ستم‌گری و زورسالاری است. در این جامعه نه اندیشه پیشرفت وجود دارد و نه چشم‌بینایی که پیشرفت دیگران را دیده و از آن الگوبرداری نماید. فقط باید به این فکر کرد که چگونه می‌توان حق ضعیف‌تران و فرودستان را از چنگ‌شان درآورد. در این جامعه، به‌معنای واقعی کلمه، انسان گرگ انسان بوده و همگی به فکر دریدن هم‌اند! ازاین‌رو، مسائلی هم‌چون برنامه‌ریزی و تلاش برای بهبود وضعیت در این جا رنگ

باخته و معنا و مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد. از قدیم رسم این‌گونه بوده است که سردم‌داران این مملکت تنها به فکر دریدن مردم و خالی کردن جیب آنان باشند و این شیوه به تدریج تبدیل به یک قاعده شده است؛ قاعده عام و فراگیر، که اینک از بالاترین سطوح و لایه‌های اجتماعی تا پائین‌ترین سطح آن را درنوردیده و در وجود تک تک اعضای این جامعه ریشه گسترانده است. بر همین اساس، در سلسله مراتب اجتماعی، تنها کسانی حق ادامه حیات و امکان برخورداری از همه نوع حقوق و مزایای اجتماعی را پیدا می‌کنند که زور بیش‌تر داشته و به راحتی بتوانند گروه‌ها و اقشار فرودست را قلع و قمع نمایند.

در چنین محیط جنگل‌واری، طبیعی است که زن به عنوان یک موجود ضعیف، که قدرت دفاع از موجودیت خود را ندارد، قربانی اصلی خواهد بود و حیثیت و اعتبار انسانی‌اش در روابط و مناسبات اجتماعی به باد استهزاء گرفته شده و تا حد یک حیوان تنزل داده شود (احسانی، ۱۳۹۲/۱۲/۶) چه رسد به این‌که کسی از حقوق اجتماعی او سخن بگوید. طرف‌داری و دفاع از حقوق سیاسی و اجتماعی زن در چنین فضایی پر از تعصب و لجاجت‌آمیزی، مسلماً به اندازه مبارزه با اصل تبعیض و نابرابری اهمیت داشته و با سختی‌ها و دشواری‌های فراوانی همراه خواهد بود. شهید مزاری در چنین شرایط اجتماعی، از حقوق سیاسی و اجتماعی زن سخن گفت و با آن‌که می‌دانست در این جامعه برای طرف‌داری از جایگاه و حقوق اجتماعی زن، نه تنها گوش شنوایی یافت نمی‌شود؛ بلکه همه بنا را بر این گذاشته‌اند که موجودیت و هستی زن را لگدمال نمایند؛ ولی ایشان در رفتار و گفتار، جانانه و با قاطعیت از آن دفاع کرد. در این نوشته بنا داریم تا مجموعه بیانات و سخنان رهبر شهید استاد مزاری را در مورد جایگاه اجتماعی و حقوق زنان، در زمینه کلی‌تر اندیشه عدالت‌خواهانه وی قرار داده، مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

۲. موقعیت تاریخی زن در افغانستان

در تاریخ پر از قساوت و ستم‌سالار جامعه ما، هیچ قشری به اندازه زنان رنج و مصیبت ندیده است. در پیشینه تیره و تار تاریخی این مرز و بوم، جز لکه‌های سیاه اجحاف و

بی‌رحمی در حق این قشر ساکت و خاموش، چیز دیگری دیده نمی‌شود. البته بدون شک در جوامع دیگر نیز، زنان مورد ستم قرار گرفته و محرومیت‌هایی را تجربه کرده‌اند؛ اما در جامعه ما، فراتر از انواع رفتارهای غیر انسانی در حق زنان و فراتر از تزییع و نادیده‌گرفتن حقوق و امتیازات اجتماعی آنان، تلاش شده است تا موجودیت و هستی زن به‌مثابه موجودی دارای شعور، احساس و عواطف انسانی انکار شده و لگدمال گردد (طنین، ۱۳۸۴: ۲۲). در پیشانی تاریخ این جامعه، همه چیز به نفع مردان رقم خورده است: از زمام‌داری و سیاست گرفته تا حقوق و مزایای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دیگر همه به مردان اختصاص داشته‌اند؛ حتا دین خدا و ارزش‌های رهایی‌بخشی که پیامبر اسلام (ص) آورده بود، نیز به نفع مردان مصادره و تفسیر شده‌اند! (فربیا، خ، ۱۲/۱۸، ۱۳۹۲) بدین جهت، زن در این جامعه، صرفاً به‌مثابه کالایی که در هیچ‌یک از شؤون زندگی خود اراده و اختیاری نداشته و قابل داد و ستد و معامله است، ارزیابی شده و حتا از سرشماری‌ها- که زیربنای تصمیم‌سازی‌های کلان اجتماعی به‌شمار می‌رود- نیز حذف شده‌اند. این، صرفاً بیان احساسی از یک مسأله تاریخی نیست. واقعیت شرم‌آور حیات اجتماعی و تاریخی و حتا کنونی ما است.

در سراسر تاریخ قبل از کودتای کمونیستی ۷ ثور ۱۳۵۷ تنها یک‌بار، حقوق و جایگاه اجتماعی زن در جامعه ما امکان طرح پیدا کرد؛ یک جرعه ضعیف و صد در صد شتابزده در زمان امان‌الله خان زده شد که آن هم از بطن نیازهای اجتماعی و درک واقع‌بینانه جامعه نشأت نگرفته بود. ذهنیت عامه مردم هنوز در تسخیر ارزش‌های پیشین قرار داشت و کوچک‌ترین تغییری نکرده بود. این امان‌الله خان، پادشاه به ظاهر تجددگرا اما تهی مغز و خیره سر افغانستان، بود که نادانسته بخش کوچکی از فرهنگ غربی را در جامعه ما، آن‌هم با رسواترین شیوه و مضحک‌ترین شکل ممکن به اجرا درآورد، بدون آن‌که فکر کند این شیوه رفتار چه نسبتی می‌تواند با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خود ما برقرار کند (غبار، ۲/۱۳۹۰: ۶۷۴ و فرهنگ، ۱۳۸۵: ۱-۲: ۵۶۹). به همین خاطر، به‌جای آن‌که در جامعه تأثیر مثبت گذاشته و مورد استقبال قرار گیرد، با واکنش تند عمومی مواجه شد.

در تاریخ حیات اجتماعی ما، زن به‌معنای واقعی کلمه، باید اسطوره مظلومیت عنوان

داده شود. اسطوره صبر و شکیبایی؛ موجودی همواره ساکت و سر به‌زیری که رنج‌ها و سختی‌ها را فقط در درون خود حبس کرده و بدون آن که لب به شکایت بگشاید، به فرمایش امیرالمؤمنین^(ع) خار در چشم و استخوان در گلو، صبر پیشه کرده است؛ اما در پشت آن آرامش نجیبانه و سکوت طاقت‌سوز، هزاران درد فروخورده و پنهان دارد و هزاران فریاد سوزناک نهفته است.

امروزه اگرچه با روی کارآمدن دولت جدید، اوضاع جامعه افغانستان از جنبه‌های مختلف، تغییر یافته و در جهت بهتر شدن وضعیت زنان در ساختار حکومت گام‌های امیدوارکننده‌ای برداشته شده است؛ اما باید توجه داشت که مشکل اصلی در جامعه ما، نه در تخصیص یا عدم تخصیص برخی موقعیت‌ها به جامعه بانوان؛ بلکه به نگاه تبعیض‌گرایانه‌ای است که در ساختارها و لایه‌های زیرین فرهنگی جامعه ما ریشه گسترانده است و تا کنون هیچ تغییری نکرده است.

۳. گفتمان عدالت خواهانه شهید مزاری

همان‌گونه که می‌دانیم شاخص گفتمان سیاسی شهید مزاری، عدالت خواهی بود. عدالت، از مختصات تفکر سیاسی شیعه است که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد. آنچه در مرکز و محور این گفتمان جای می‌گیرد، نگاه برابر نسبت به همه انسان‌ها است و دال‌های پیرامونی دیگر از همین اصل سیراب شده و با ارجاع به همین معیار کلیدی، معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. در این نگاه، همه انسان‌ها با قطع نظر از خون، تبار، زبان، جنسیت و طبقه اجتماعی‌شان، شایسته احترام و تکریم قلمداد شده و حقوق و مزایای سیاسی - اجتماعی برابر برای‌شان در نظر گرفته می‌شود. شالوده اساسی این گفتمان آیه ۱۳ سوره حجرات است که می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت تیره تیره و قبیله قبیله قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست که جز خدا کسی به آن آگاهی ندارد» (حجرات: ۱۳).

بر اساس این منطق، تک‌تک اعضای جامعه، اعم از پیر و جوان، زن و مرد، فقیر و غنی،

تحصیل کرده و غیر تحصیل کرده و... حقوق و مزایای اجتماعی یکسان دارند؛ همه حق آزادی دارند؛ همگی حق دارند که استعدادها و ظرفیت‌های وجودی خود را شکوفا نموده و در راه پیشرفت جامعه به کار اندازند. همگی حق دارند در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی اظهار نظر کرده و در مورد سرنوشت سیاسی جامعه خود تصمیم‌گیری کرده و به هرکس که مورد تأییدش است، رأی دهند. این حقوق به هیچ قومیت، زبان، جنسیت، خانواده یا فرد خاصی اختصاص ندارد. هیچ معیاری غیر از توانمندی‌های شخصی و اکتسابی، موجب اولویت کسی در کارها یا برخورداری از امکانات و فرصت‌ها نمی‌گردد. اصل این گفتمان بر پایه نفی بیدادگری، نفی تبعیض، نفی انحصارگرایی و نفی برتری‌جویی بنا شده است. «ما سیستم انحصار را به هر شکل و شیوه آن رد می‌کنیم» (فریاد عدالت، ۱۳۸۳: ۳۲) و بهره‌مندی از امتیازات و فرصت‌ها بر اساس انتساب به قوم، تبار، زبان یا مذهب خاص را تقبیح کرده و در تمام سطوح اجتماعی ناپسند می‌داند. در گفتمان عدالت‌خواهی شهید مزاری، همان‌گونه که برتری قومی، زبانی، سمتی و نژادی مذموم بود، تبعیض جنسیتی و برترانگاشتن مردان نسبت به زنان نیز قابل قبول نبود؛ چون مبنای اعطای امتیازات، دستاوردها و خصوصیات اکتسابی افراد است، نه خصوصیات انتسابی و زیستی و خارج از کنترل و اختیار انسان (فصیحی، ۱۳۹۴).

جریان مخالف گفتمان عدالت‌خواهی، گفتمانی است که بر پایه اصل تبعیض، نابرابری و برتری‌جویی‌های قومی، زبانی، جنسیتی و... بنا شده است و به شدت تلاش دارد تا برای آن‌ها توجیه مذهبی درست نماید. دال‌های به کارگرفته در این گفتمان نیز، به آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و مذهبی منتسب می‌شود؛ اما قرائت و خوانشی از آن‌ها ارائه می‌گردد که با نظام مبتنی بر نابرابری و تبعیض هم‌خوانی پیدا کند. «در چنین گفتمانی، سلسله‌مراتب تشکیلاتی عموماً از نظام منزلت اجتماعی خاصی کپی‌برداری می‌شود که «انتساب» در آن عاملی فضیلت‌آفرین محسوب می‌گردد و انسان‌ها نابرابر زاده می‌شوند. ایدئولوژی حزبی و سیاسی از این نظام نابرابر اجتماعی دفاع می‌کند؛ زیرا که استمرار آن در گرو تداوم این نوع خاص از نظم اجتماعی است» (جوادی، ۱۳۹۴: ۴۹).

حال با توجه به این بیان اجمالی از گفتمان عدالت‌خواهانه شهید مزاری، مجموعه سخنان ایشان در باره حقوق و جایگاه اجتماعی زنان را با ارجاع به همین اصل توضیح می‌دهیم.

۱-۳. رهبر شهید و دفاع از نقش تاریخی زن اجتماعی در تحولات اجتماعی

همان‌گونه که توضیح داده شد، در افغانستان تا قبل از کودتای کمونیستی ۱۳۵۷، زنان از همه حقوق و مزایای اجتماعی خود محروم بودند؛ حتی پس از سقوط دولت دکتر نجیب‌الله و روی کار آمدن مجاهدین نیز، اکثریت رهبران جهادی همین تفکر را داشتند و به همین دلیل، هیچ نوع حق سیاسی - اجتماعی برای زنان قائل نبودند. شهید مزاری اما در مقابل این تفکر دگم‌اندیشانه، با قاطعیت ایستاد و با اشاره به نقش تاریخی و سرنوشت‌ساز زنان در تحولات اجتماعی دوره انقلاب، از حقوق اجتماعی آنان دفاع می‌نماید. ایشان می‌گوید: «آنچه به ما گزارش داده‌اند، نقش بیش‌تر را هم در این‌جا خواهران انجام دادند. این عجیب بود. بعد متأسفانه پس از چهارده سال مبارزه و جهاد و زجر و تکلیف، تعدادی از رهبران می‌گویند نصف از جمعیت ما (زنان) حق ندارند برای سرنوشت‌شان حرف بزنند؛ ولی وقتی این‌ها در پاکستان و اروپا نشسته بودند، این خواهران قهرمان این حرکت را به وجود آوردند و مردم کابل جوشید. به ما گفته‌اند - صحت و سقمش را نمی‌دانم - که یکی از خواهران در جاده میوند چادرش را گرفته به سر یک افسر افغانستانی انداخته و گفته بود تو غیرت افغانی‌گی‌ات را فراموش کرده‌ای این چادر ما را تو سر کن و سلاح را بده که ما از خود دفاع بکنیم. من معتقد هستم که این حرکت، حرکت سرنوشت‌ساز بود و ما باید از این روزها تجلیل کنیم» (ضیایی، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

این فریاد در شرایطی از زبان رهبر شهید طنین‌انداز می‌شود، که عده‌ای از رهبران متحجر جهادی، حکومتی را که زنان در آن نقش داشته باشند، غیر اسلامی خوانده و با حضور زن در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی مخالفت می‌کنند. در قانون اساسی دولت ربانی نوشتند که صرف مرد حنفی، حق کاندید شدن مقام ریاست جمهوری را دارد؛ یعنی زنان چنین حقی را ندارند (احسانی، همان). شهید مزاری از همان موضع گفتمان عدالت‌خواهانه، منطق کسانی را

که مخالف حضور زن در عرصه‌های اجتماعی هستند، به چالش می‌کشد. «در زمانی که شما در کشورهای خارجی، سرگرم تفریح و خوش‌گذرانی بودید، زنان انقلاب را آغاز کردند؛ اما اکنون که زمان تقسیم امتیازات فرا رسیده است، آنان را از حقوق مسلم‌شان محروم می‌کنید!» این چه منطق و چه انصافی است!؟

۲-۳. رهبر شهید و تجلیل از مقام انسانی زن

باز هم در فرازهای پیشین توضیح داده شد که در افغانستان، زن همواره به‌عنوان موجودی شوم، افسون‌گر، ناقص‌العقل و... شناخته شده و حیثیت و کرامت انسانی‌اش مورد انکار و بی‌اعتنایی قرار می‌گرفت. رهبر شهید که نماد عدالت‌خواهی به‌شمار می‌آمد، قبل از هر چیزی تلاش می‌کرد تا زن در جامعه افغانستان جایگاه والای انسانی خود را باز یافته و حیثیت به‌یغمارفته‌شان به آنان باز گردانده شود. اساساً یکی از اهداف راهبردی رهبر شهید، دفاع از کرامت و منزلت انسانی در جامعه پر از نخوت افغانستان بود؛ زیرا بدون باور و اعتقاد راسخ به کرامت ذاتی انسان، نمی‌توان انتظار داشت که در جامعه عدالت اجتماعی تحقق یابد. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود، خاطرنشان می‌سازد که همه افراد بشر، اعضای یک خانواده و دارای یک پدر و مادراند و از لحاظ خلقت، هیچ‌گونه تبعیضی وجود ندارد. مسئله جنس، نژاد، زبان، و... معیار برتری نیست؛ بلکه اساس فضیلت تقوا و عمل شایسته است و سپس به یک اصل فلسفی اشاره کرده و می‌گوید: همان‌گونه که فلاسفه «وجود» را خیر و «شر» را عدم می‌دانند، رعایت حقوق بشر و پاس‌داشتن کرامت انسانی او «خیر» است و نادیده‌گرفتن حقوق و منزلت انسانی وی «شر». این یک اصل کلی است و اختصاص به جنسی خاص یا نژاد خاصی ندارد (احیای هویت: ۸۴ و ۸۵).

در جای دیگر، به یکی دیگر از جنبه‌های والای وجودی زن اشاره کرده و با تمجید و ستایش از این ویژگی وجودی او تلاش می‌کند تا هم نقش غیر مستقیم وی در تحولات اجتماعی را به اثبات رسانده و هم جایگاه ارزشمند زن در حیات انسانی و اجتماعی را تثبیت نماید. این ویژگی چیزی نیست جز حیثیت مادری زن و نقش برجسته و بی‌بدیل او در تربیت

فرزندان مجاهد. ایشان جایگاه زن را به عنوان مادر گرامی داشته و تلاش های خستگی ناپذیر مادران در تربیت فرزندان جهادگر را ستودنی و کاری بس ارزشمند می دانست. رهبر شهید می گوید: «این خواهران و مادران در پیروزی انقلاب نقش فوق العاده داشتند. اگر هر جوانی فداکاری کرده و از این سرزمین دفاع کرده و با خونش این سرزمین را آزاد کرده، این را همان مادر تربیت کرده است. با مشکلات و سختی ها، این طفل را تا جوان رعنا درست کرده و از اسلام دفاع کرده، این را مادرش کشیده است» (سحر، ۱۳۹۴: ۷۳).

۳-۳. رهبر شهید و دفاع از حق آزادی زن

دفاع از حیثیت انسانی زن و همسان دانستن آنان با مردان، در آن محیط منحط و تعصب آلود اگرچه کار سختی بود؛ اما حساسیت چندانی را برنمی انگیخت. آنچه که حساسیت زنا بود و عصبیتها را به شدت تحریک می کرد، طرفداری از حقوق سیاسی و اجتماعی و مخصوصاً حق آزادی زن بود. قائل شدن حق آزادی برای زنان، بدان جهت باعث تحریک حساسیتها می گشت که در محیط اجتماعی افغانستان، نگرش خاصی نسبت به نحوه تعامل و روابط میان زن و مرد وجود دارد. زن حق ندارد با مرد بیگانه مواجهه مستقیم داشته و با او بحث و گفتگو نماید و بالعکس. چنین نحوه تعاملی تقبیح شدید ناظران و تحریک حس غیرت اطرافیان را به دنبال دارد. البته این نگرش، در اصل ریشه در آموزه های مذهبی دارد که تفسیر افراطی از آن شده است. مضاف بر آن، یک پیش زمینه تاریخی، این حساسیت را بیش تر دامن می زد. آن پیش زمینه تاریخی، به نحوه تفسیر آزادی زن از سوی طرفداران آن بود. کسانی که قبل از آن از آزادی زن طرفداری کرده بودند، چه در عمل و چه در سخن، آن را بیش تر به معنای غربی شدن و زدودن هویت دینی و اسلامی زن تفسیر کرده بودند (فرهنگ، ۱۳۸۵: ۵۹۴).

رهبر شهید با وجود تمام این حساسیتها، بدون کوچک ترین هراس، از حق آزادی زن دفاع کرد؛ اما در قالب معیارهای پذیرفته شده دینی. «در مورد خواهرها حقوقی را قائل هستیم که مطابق به موازین و معیارهای اسلام باشد و باید قوانین اسلامی را رعایت کنیم و بی حجابی

۳-۴. رهبر شهید و دفاع از حقوق سیاسی زن

حق رأی، تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری در امور کشور، یکی از حقوق عمده انسان است که خداوند این حق را به انسان داده و او را مسؤول ساختن سرنوشت و جامعه‌اش قرار داده است. همه افراد بشر، اعم از زن و مرد، پیر و جوان، سیا و سفید و... به صورت یکسان این حق را دارا اند. همه حق دارند در تعیین سرنوشت خود شرکت کنند، انتخاب کنند و انتخاب شوند؛ ولی در افغانستان بر اساس همان نگاه تنگ‌نظرانه و مردسالارانه، زنان از چنین حق خدادادی محروم نگهداشته شده بود. همان‌گونه که اشاره شد، حتا بسیاری از رهبران جهادی و علمای سنتی، مخالف فعالیت‌های سیاسی و حضور زن در اجتماع بودند. رهبر شهید، برخلاف همه این نگرش‌های جمودآمیز و انحصارطلبانه، دفاع از حقوق و جایگاه سیاسی و اجتماعی زن را وجهه همت خود قرار داد. ایشان حذف زنان از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را مخالف با اصول و ارزش‌ها و مخالف با روح عدالت‌طلبانه اسلام دانسته و تصریح می‌کند که اصرار بر چنین گرایش‌های متحجرانه، اسلام را از عرصه حیات

را رفع کنیم. زن با حجاب می‌تواند... تحصیل کند. برای زن‌ها غیر از محدودیت‌های اسلامی، هیچ محدودیتی را نمی‌خواهیم (منشور برادری، ۱۳۷۹: ۲۲۶).

تحقق آزادی، در تمام عرصه‌های زندگی، بخشی از آرمان‌های والا و اصیل رهبر شهید را تشکیل می‌دهد. آزادی نه برای یک قوم، نه برای یک حزب و نه برای یک جنس خاص؛ بلکه برای شهروند افغانی. به عقیده رهبر شهید، مردم افغانستان، اعم از زن و مرد، از این حق انسانی و اسلامی به صورت یکسان برخوردار می‌باشند. مخالفت با آزادی مردم خلاف آموزه‌های ناب اسلام است. رهبر شهید، در باره آزادی مطبوعات، این طور خاطر نشان می‌کند: «از نظر تمدن بشری و قوانین بین‌المللی، من فکر می‌کنم که امروز یک مسأله پذیرفته شده در سطح جهان است که مطبوعات آزاد باشد و هرکس باید برداشت‌های سیاسی و عقیدتی خود را منعکس نماید... و از نظر اسلام هم ما معتقدیم که آن آزادی‌ای که اسلام و خلفای اسلام پذیرفته است، هنوز غرب هم به آن نرسیده است» (فریاد عدالت، ۲۶۶).

انسانی حذف خواهد کرد. ایشان می‌گوید: «این از انصاف دور است که بیاییم و قشر عظیم و زحمت‌کش جامعه را بگوییم که شما حق ندارید نسبت به سرنوشت‌تان و برای آینده‌تان تصمیم بگیرید و فکر نکنید. این در اسلام نیست. هرکسی که می‌گوید زن حق ندارد در جامعه دخالت بکند در آینده جامعه تصمیم‌گیری بکند، این خلاف اسلام است. اگر ما پیرو این پیامبر هستیم، نباید در این قرن که همه مردم می‌آیند و از حیوانات دفاع می‌کنند، ما در جامعه، یک قشر عظیم و زحمت‌کش و مؤثر جامعه را محروم بسازیم. با این کار داریم اسلام را دفن می‌سازیم» (سحر، ۱۳۹۲/۱۲/۱۸).

شهید مزاری به صراحت، بیان می‌دارد که زنان مثل مردان از تمام حقوق انسانی برخوردارند و محروم‌نمودن نصف پیکر جامعه از حقوق سیاسی و اجتماعی، هرگز درست نیست. رهبر شهید موضع حزب وحدت را که برخاسته از همان اندیشه عدالت‌خواهانه ایشان بود، در قبال زنان افغانستان این‌گونه بیان می‌کند: «ما معتقدیم که زنان مسلمان افغانستان، در عین حال که یکی از اقشار همیشه محروم و مظلوم افغانستان بوده‌اند و همواره در همه تحولات و بحران‌های این سرزمین، مخصوصاً جنگ استقلال‌طلبانه بر ضد انگلیس و جهاد رهایی‌بخش بر ضد اشغال‌گران شوروی و در همه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، درمانی، تشکیلاتی و حتا جهادی فعالیت‌های چشم‌گیر و نقش بسیار مؤثر داشته‌اند، نادیده‌گرفتن حقوق آنان و جلوگیری از شرکت‌شان در تعیین سرنوشت و حق رأی در انتخابات، مخالف دستورات اسلام و یک ستم بزرگ می‌باشد. ما می‌خواهیم که زنان مسلمان در همه صحنه‌ها حضور فعال داشته و حقوق آن‌ها در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی حفظ و رعایت شود» (شاهد یاران، ۸۶).

ایشان در جای دیگر به طرح انتخاباتی حزب وحدت اسلامی اشاره کرده و می‌گوید: «مسأله دیگری که در این طرح گنجانده شده است، رعایت حقوق همه مردم، اعم از زن و مرد، پیر و جوان است. شاید بسیاری از تنظیم‌ها و رهبران تا حالا نتوانسته باشند یک‌بار اعتراف کنند که نصف این جامعه را زن‌ها تشکیل می‌دهند و حق دارند در تعیین سرنوشت آینده‌شان شرکت کنند و تصمیم بگیرند؛ در طرح حزب وحدت این مسأله رعایت شده

است «سخنانی از پیشوای شهید، ۱۳۷۴: ۶۹».

به باور رهبر شهید، جلوگیری از حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، مضاف بر آن‌که غیر عادلانه به حساب می‌آید، نظام سیاسی برآمده از آن و انتخابات ناتمام و ناقص خواهد بود: «ما طرح خود را برای حل این مسائل به کمیسیون انتخابات دادیم و در آن گفته بودیم که باید احزاب و افراد مستقل کاندید شوند. کسی که تابع افغانستان است، اعم از زن و مرد، در رأی‌گیری شرکت داشته باشند... و اگر بگوییم زن‌ها شرکت نکنند، بدین ترتیب نصف مردم در انتخابات حاضر نبوده و انتخابات ناقص خواهد بود» (همان). در جای دیگر، مخالفت با حضور زنان در عرصه‌های سیاسی را انحصارگرایی تلقی کرده و می‌گوید: «ما سیستم انحصار را به هر شکل و شیوه آن رد می‌کنیم و طرفدار شرکت کلیه مردم افغانستان، اعم از مرد و زن، پیر و جوان و... برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان هستیم. این عادلانه نیست که مردان حق شرکت در انتخابات را داشته باشند؛ ولی زنان از این حق مسلم انسانی‌شان محروم باشند. همه حق دارند که در انتخابات شرکت نمایند» (ماهانمه هاجر، ۱۱ و فریاد عدالت، ۱۳۸۳: ۳۲).

۳-۵. رهبر شهید و دفاع از حق تحصیل زن

حق تحصیل و بسط ظرفیت‌های وجودی، از حقوق اساسی هر انسانی است. نظام تربیتی اسلام، تک‌تک اعضای جامعه را مکلف کرده است که از طریق فراگیری دانش، استعدادها و ظرفیت‌های وجودی خود را شکوفا سازند؛ از این رو، بر زمام‌داران جوامع اسلامی واجب است که زمینه و امکانات لازم را برای آموزش و تعلیم و تربیت شهروندان فراهم سازند. با قطع نظر از آنچه گفته شد، تعلیم و تربیت در پیشرفت و توسعه اجتماعی نقش کلیدی و تعیین‌کننده دارد. می‌توان با اطمینان و قاطعیت مدعی شد که بدون آموزش و تربیت نیروهای نخبه، جامعه امکان پیشرفت پیدا نخواهد کرد. این از بدیهیات زندگی امروز است. رهبر شهید با درک این حقیقت، آشکارا می‌فرماید: «وظیفه ملی و اسلامی است که دانشگاه (پوهنتون) باز باشد تا نسل جوان، اعم از زن و مرد، تحصیل کنند و آینده افغانستان در دست این‌ها

است و سرنوشت افغانستان را جوانان افغانستان تعیین می‌کنند و نباید بی‌سواد بمانند» (فریاد عدالت، ۲۲۰).

۳-۶. رهبر شهید و تحقق جایگاه زن در جامعه

آنچه تا کنون گفته شد، بیان دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات ایشان در باب حضور زن در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی بود. اگرچه دفاع کلامی از یک مسأله تا حد زیادی می‌تواند مؤثر واقع شود؛ اما از سخن تا عمل فاصله زمین تا آسمان است. کم نیستند افرادی که در زبان، مدافع دو آتشه یک دیدگاه هستند؛ اما در مرحله عمل همه چیز را فراموش می‌کنند. رهبر شهید برای تحقق عدالت اجتماعی و احیای حقوق زنان، عملاً زن‌ها را در مسائل سیاسی و تصمیم‌گیری و اداره حزب وحدت سهیم ساخت. شورای مرکزی حزب وحدت یک بعدی را تغییر داده و متشکل از خواهران و برادران نمود و ۱۲ نفر از زنان تحصیل‌کرده را از سال ۱۳۷۰ در عضویت شورای مرکزی شامل نموده (ارزگانی، ۵) تا زمینه فعالیت زنان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه فراهم و مساعد گردد. مضاف بر این، کمیته امور زنان را که یکی از چند کمیته اصلی حزب وحدت اسلامی افغانستان بود، دایر نمود و کمیسیون‌های منشعب از آن‌ها را نیز در سطح ولایات در داخل و در شهرهای مهاجرنشین خارج از کشور، فعال نمود. بدین وسیله، حزب وحدت افغانستان نشان داد که اندیشه اسلامی با دید شیعی پویا، متحرک و انسانی است که می‌تواند تمام نقش‌ها را از سر بگیرد (ماهنامه گل سرخ، ۲۳).

استاد شهید در جهت احقاق حقوق زنان و جایگاه آنان در جامعه، تنها به شعار اکتفا نکرد؛ بلکه در این راستا گام‌های عملی برداشت و با پیشگام شدن در این عرصه، کمیته ویژه را برای زنان تخصیص داد و به دیگر شهروندان نیز نشان داد که زنان مسلمان نیز قادر به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و... در جامعه و خدمت به کشور خویش هستند (سحر، پشین). رهبر شهید این موضوع را خود چنین توضیح می‌دهد: «حزب وحدت ده تا کمیته دارد در شورای مرکزی‌اش. یک کمیته به نام کمیته زنان هست و معتقد است

که نصف جمعیت افغانستان را زن‌ها تشکیل می‌دهند، باید در سرنوشت آینده‌شان در کمیته شرکت داشته باشند و در انتخابات هم. در طرح انتخابات هم که حزب وحدت داده است، به زنان حق قائل شده است که هم انتخاب شده می‌توانند و هم رأی داده می‌توانند (منشور برادری، ۲۲۶)

جمع‌بندی

در منطق عدالت‌خواهانه شهید مزاری، زنان چه به‌لحاظ منزلت انسانی و چه به‌لحاظ حق برخورداری از مزایا و فرصت‌های اجتماعی، هیچ تفاوتی با مردان ندارند؛ از این رو، از تمام انواع حقوق و مزایای سیاسی و اجتماعی که مردان می‌توانند برخوردار باشند؛ زنان نیز می‌توانند از همه آن‌ها برخوردار باشند. همان‌گونه که مردان حق تحصیل دارند و می‌توانند خود را برای موقعیت‌های گوناگون اجتماعی کاندید نمایند؛ همان‌طور که مردان حق دارند در ادارات یا جاهای دیگر کار و فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند و همان‌گونه که مردان آزادند در فعالیت‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، هنری و... شرکت نمایند، زنان نیز از همه این حقوق و مزایا برخوردارند و هیچ محدودیتی برای‌شان نیست؛ جز یک محدودیت و آن رعایت «شؤون اسلامی» است که قطعاً مردان نیز باید آن را رعایت نمایند. آنچه که برابری زن و مرد در بهره‌مندی از مزایا و فرصت‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند، همان اندیشه عدالت‌خواهانه ایشان است که برپایه نفی تبعیض، نفی انحصار و نفی بیدادگری استوار شده است.

منابع

۱. احسانی، بازخوانی جایگاه زن در اندیشه شهید مزاری، <http://e-ehsani.persianblog.ir> ۱۳۹۲/۱۲/۶.
۲. احیای هویت، مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید (۱۳۷۳)، انتشارات سراج.
۳. ارزگانی و عزیز رویش (۱۳۷۴)، سخنانی از پیشوای شهید، اسلام‌آباد، کانون فرهنگی رهبر شهید.
۴. جوادی، محمدعلی (۱۳۹۴)، شهید مزاری، روایتی تازه از رنج دیرین، خورشید عدالت (ویژه‌نامه بیست

- و یکمین سالگرد شهادت بنیان‌گذار جنبش عدالت‌خواهی افغانستان، رهبر شهید بابه مزاری «ره»، قم.
۵. سحر، آصف، جایگاه زن در اندیشه استاد مزاری، <http://farda.af/internal-news>، ۱۳۹۲/۱۲/۱۸.
 ۶. سخی ارزگانی، دیدگاه‌ها و نقطه نظرات شهید مزاری در حل بحران افغانستان، ماهنامه مشعل.
 ۷. شاهد یاران (۱۳۸۹)، روند تکاملی حزب وحدت اسلامی افغانستان، سید نوالدین، ماهنامه فرهنگی تاریخی، شماره ۵۹.
 ۸. ضیایی، رضا، (۱۳۸۸) چراغ راه (برگزیده‌ای از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های رهبر شهید بابه مزاری «ره»، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، نمایندگی اروپا.
 ۹. طنین، ظاهر (۱۳۸۴)، افغانستان در قرن بیستم، تهران، محمدابراهیم شریعتی افغانستانی، چاپ دوم.
 ۱۰. غفاری، عبدالله (۱۳۷۳)، فریاد عدالت، مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی شهید سجادی.
 ۱۱. فرهنگ، میر محمد صدیق (۱۳۸۵)، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱ و ۲، تهران، محمدابراهیم شریعتی افغانستانی.
 ۱۲. فریبا، خ. حقوق زن از دیدگاه شهید مزاری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۸، <http://www.muhajer.com>.
 ۱۳. فصیحی، امان‌الله، جایگاه زن در اندیشه شهید مزاری، <http://www.vpo.gov.af/didgah>، ۱۳۹۴/۱۲/۱۸.
 ۱۴. ماهنامه گل سرخ، شماره ۲۹-۳۰، سال سوم، ۱۳۷۶.
 ۱۵. منشور برادری (مجموعه سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، پیام‌ها و دیدارهای رهبر شهید، بنیاد رهبر شهید، ۱۳۷۹ ش.